گزارش «فرهیختگان» از ۱۱۱ کارگردان فیلم‌اولی که با جشنواره فجر به سینما آمدند

سینما چطور پوست انداخت؟

مریم قضاتلی
خبرنگار گروه فرهنگی

۱۱۱ کارگردان فیلم اول نتیجه ۱۰ سال حضور در جشنواره فیلم فجر بوده است؛ امسال هم ۱۳ فیلم اولی در این جشنواره حضور دارند. همین دو جمله کوتاه باعث می‌شود سراغ این موضوع برویم تا ببینیم چه فرایندی در طول زمان برای فیلم‌اولی‌ها طی شده و حالا در کجا قرار دارند؟ در دنیای سینما، کارگردان‌هایی که اولین فیلم‌های خود را ساخته‌اند، به نوعی در حال کاشت بذرهایی‌اند که با گذر زمان و رسیدگی به میوه‌هایی پربار تبدیل می‌شوند. بعضا این افراد دست روی موضوعاتی می‌گذارند که بسیاری از کارگردانان باتجربه‌تر به آن‌ها نزدیک نمی‌شوند. نگاه نو و ایده‌های تازه‌ای که آن‌ها به سینما می‌آورند، نه‌تنها به غنای صنعت فیلم‌سازی کمک می‌کند، بلکه راه‌های جدیدی را برای بیان داستان‌های متفاوت باز می‌کند. سرمایه‌گذاری روی این کارگردان‌های جوان، یک نوع فرصت استراتژیک برای کشف استعدادهای جدید است. شاید در ابتدا به نظر برسد که این سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر باشد، اما درحقیقت همان‌طور که در دنیای کسب‌وکار هم دیده می‌شود، گاهی کم‌ریسک‌ترین تصمیمات همان‌هایی‌اند که درنهایت بیشترین سود را به همراه دارند. در سینما این سود نه‌تنها به شکل مالی، بلکه از منظر فرهنگی نیز خود را نشان می‌دهد.

جشنواره فجر در به چشم آمدن و موفق شدن این دست از کارگردانان نقش مهمی ایفا می‌کند. از طرفی اگر قاب‌های نگاهمان را وسیع‌تر کنیم و به‌قول سینمایی‌ها از لنز واید استفاده کنیم، سرمایه‌گذاری روی کارگردان‌های جوان نه‌تنها به سود سینما، بلکه به سود کل فرهنگ کشور است. این کارگردانان تازه‌نفس، با نگاهی تازه و قصه‌های نو، می‌توانند مخاطب جدیدی جذب کنند و سینما را از حالت یکنواختی خارج کنند. این نوع سرمایه‌گذاری به معنای پرورش یک سرمایه انسانی است که درنهایت می‌تواند به رشد سینما و گسترش نگاه‌های نو در این حوزه منتهی شود. درنهایت، این سرمایه‌گذاری نه‌تنها یک بُرد برای سینما است، بلکه به یک بازی دو سر برد تبدیل می‌شود که هم سینما و هم فرهنگ از آن بهره می‌برند.

۱۳۹۳/ جشنواره ۳۳

در سال ۱۳۹۳، تعداد ۳۳ فیلم در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمدند. از این تعداد، ۱۳ فیلم متعلق به کارگردانان کار اولی بود. جالب اینجاست که از این ۱۳ کارگردان کار اولی، تنها دو نفر از خانم‌ها بودند. وحید جلیلوند که شاید بیشتر با صدای خاصش شناخته شود، در سال ۱۳۹۳ با فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» وارد سینما شد. این فیلم اولین تجربه کارگردانی بلند او بود که در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و توانست توجه زیادی را جلب کند. «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» در آن زمان نگاه‌های جدید و متفاوتی به مسائل اجتماعی و انسانی ارائه داد و نه‌تنها در ایران، بلکه در جشنواره‌های بین‌المللی هم به نمایش درآمد و به جلیلوند کمک کرد تا در سطح جهانی شناخته شود.

پس از این موفقیت، جلیلوند با فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» به سال ۱۳۹۵ درباره به سینما برگشت. این فیلم توانست سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی جشنواره فجر را برای او به ارمغان بیاورد و به یکی از فیلم‌های برجسته سینمای ایران تبدیل شود. با وجود اینکه این روزها حضور جلیلوند در سینما کم‌رنگ‌تر شده، اما می‌شود گفت هنوز اسمش جزء کارگردان‌های موفق و تأثیرگذار سینمای ایران باقی مانده. آثارش نشان داده که همیشه دنبال داستان‌هایی متفاوت و انسان‌محور بوده و همین باعث شده تا در تاریخ سینمای ایران به‌عنوان یک کارگردان خاص شناخته شود.

۱۳۹۴/ جشنواره ۳۴

در جشنواره سال سی‌وچهارم، ۲۲ فیلم در بخش سودای سیمرغ باهم رقابت می‌کردند. درکنار آن‌ها، ۱۱ فیلمی که کارگردانان آن‌ها برای بار اول وارد جشنواره می‌شدند در بخش نگاه نو باهم رقابت می‌کردند. در آن سال چهره‌هایی وارد سینما شدند که در حال حاضر توانسته‌اند برای خودشان راه و بریدی بسازند.

محمدحسین مهدویان یکی از کارگردان‌هایی است که در سال‌های اخیر در سینما شناخته شده است. او کار خود را با مستند سریالی تلویزیونی «آخرین روزهای زمستان» آغاز کرد و توانست اولین قدم‌های معرفی خودش را بردارد اما نقطه عطف واقعی کارنامه او با فیلم «ایستاده در غبار» اتفاق افتاد. این فیلم در جشنواره سی‌وچهارم فجر توجه بسیاری را جلب کرد و توانست سیمرغ بلورین بهترین فیلم آن سال را از آن خود کند. پس از آن مهدویان با «ماجرای نیمروز» در جشنواره فجر سال بعد، موفقیت‌های بیشتری به دست آورد. این فیلم سه سیمرغ بلورین دریافت کرد؛ بهترین فیلم جشنواره، بهترین فیلم از نگاه ملی و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران. این دستاوردها نشان می‌داد مهدویان توانسته مسیرش را پیدا کند و سینما را با نگاه متفاوت خود شکل دهد.

در سال ۱۳۹۶، مهدویان با فیلم «لاتاری» در جشنواره سی‌وششم حضور پیدا کرد. این فیلم جایزه ویژه هیأت داوران را به دست آورد و یک دستاورد دیگر به کارنامه‌اش اضافه کرد. از آن سال به بعد، مهدویان هر سال یا یک اثر در جشنواره فجر حضور داشت و همچنان موفق به کسب جوایز مختلف شد. او در جشنواره‌های بعدی با فیلم‌های «ماجرای نیمروز: رد خون» و «درخت گردو» درخشید و در جشنواره سی‌ونهم با فیلم «شیشلیک» که از آثار قبلی‌اش متفاوت بود، به نمایش درآمد. در کنار فعالیت‌های سینمایی، مهدویان به شبکه نمایش خانگی هم ورود کرد و سریال موفق «زخم‌کاری» را از سال ۱۴۰۰ شروع کرد. تاکنون ۴ فصل از این سریال ساخته شده است. همچنین در همان سال فیلم «مرد بازنده» را ساخت و در جشنواره فیلم فجر به نمایش گذاشت.

سعید روستایی یکی دیگر از کارگردان‌های جوان و شناخته‌شده‌ای است که در آن سال توانست خوش بدرخشد. او فعالیت حرفه‌ای خود را با فیلم‌های کوتاه آغاز کرد، اما درنهایت با فیلم بلند خود به دنیای سینما وارد شد و توانست توجه‌ها را جلب کند. اولین فیلم سینمایی او، «ابد و یک‌روز»، در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر به نمایش درآمد و با استقبال بسیار خوبی روبرو شد. این فیلم که داستانی اجتماعی و درام‌گونه داشت، توانست جوایز متعددی از جمله سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را به دست آورد و به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های آن سال شناخته شود. پس از موفقیت «ابد و یک‌روز»، روستایی در سال ۱۳۹۶ فیلم «متری شیش‌ونیم» را ساخت که در آن به موضوعات اجتماعی و معضلات جامعه پرداخته بود. «متری شیش‌ونیم» به‌سرعت به یکی از آثار پرفروش اجتماعی سینمای ایران تبدیل شد و توانست تحسین‌های زیادی را برای روستایی به ارمغان بیاورد. روستایی در سال‌های اخیر با ساخت فیلم «برادران لیلا» حواشی زیادی را به جان خرید. حالا هم به سراغ ساخت فیلم جدیدش با عنوان «زن و بچه» رفته است.

۱۳۹۵/ جشنواره ۳۵

در سال ۱۳۹۵، تعداد ۲۸ فیلم در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمدند. از این تعداد، ۱۵ فیلم متعلق به کارگردانان کار اولی بود. سید محمدمهدی حرمندان با وجود تهیه یک تجربه سینمایی، با ورود به دنیای تلویزیون توانست جایگاه خود را در صنعت سرگرمی تثبیت کند. پیش از اینکه وارد سینما شود، حرمندان در عرصه فیلم کوتاه فعال بود و آثار متفاوتی ساخت. او با فیلم «بیست و یک روز بعد» در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۵ به دنیای سینما معرفی شد. این فیلم با داستانی متفاوت و روایت خاص خود، توانست نظر بسیاری از منتقدان را جلب کند و به‌عنوان یکی از آثار تأثیرگذار در سال شناخته شود. اما آنچه به‌شدت نام حرمندان را در ذهن مخاطبان حک کرد، سریال «از سرنوشت» است. این سریال که در شبکه دو پخش شد، با تمرکز بر موضوعات اجتماعی و خانوادگی، توانست ارتباط عمیقی با تماشاگران برقرار کند و در میان سریال‌های ایرانی جایگاهی ویژه پیدا کند. شخصیت‌پردازی‌های قوی و روایت جذاب این سریال باعث شد «از سرنوشت» به یکی از موفق‌ترین و پربازدیدترین سریال‌های تلویزیونی تبدیل شود.

با اینکه حرمندان مسیر خود را با سینما آغاز کرده بود، به نظر می‌رسد او در تلویزیون توانست موفقیت‌های چشمگیرتری کسب کند. البته این به معنای فراموشی او در سینما نیست؛ چراکه «بیست و یک روز بعد» همچنان به عنوان یکی از آثار ماندگار سینمای ایران یاد می‌شود. او در دنیای تلویزیون، اما توانسته اثری منحصربه‌فرد از خود به جا بگذارد که به‌راحتی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. حرمندان حالا به‌عنوان یک کارگردان شناخته‌شده و تأثیرگذار در دنیای تلویزیون و سینما شناخته می‌شود. او یکی از کارگردان‌های موفق کار اولی است که با دقت و وسواس در انتخاب موضوعات و روایت‌های داستانی، مسیر خود را در این صنعت هموار کرده است. اگرچه حضور سینمایی‌اش کمرنگ‌تر از تلویزیونی‌اش است، اما همواره پتانسیل‌های بالایی دارد که در آینده می‌تواند آثار مهم‌تری را خلق کند.

۱۳۹۶/ جشنواره ۳۶

در ۱۰ سال اخیر، جشنواره سال ۱۳۹۶، جزء جشنواره‌هایی بود که قدر کارگردانان تازه کار را ندانست. در آن سال، از بین ۲۶ فیلم نتها سه کارگردان کار اولی حضور داشتند. در میان این سه کارگردان، نام مهران احمدی بابت تجربه‌هایی که پیش از این داشته بیشتر درخشید. احمدی که بیشتر با بازی در نقش‌های متفاوت و شناخته‌شده‌اش در ذهن مخاطبان سینما و تلویزیون باقی مانده است، در دنیای کارگردانی هم توانست خودش را به خوبی مطرح کند. اوکه سال‌ها در عرصه بازیگری فعالیت داشت، با فیلم سینمایی «مصادره» اولین تجربه کارگردانی سینمایی‌اش را به دست آورد. این فیلم در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۶ به نمایش درآمد و توانست توجه‌ها را به خود جلب کند. پس از این موفقیت، مهران احمدی وارد دنیای پلتفرم‌ها شد و سریال «بی‌گناه» را کارگردانی کرد. این سریال بازخورد‌های مثبت زیادی از طرف مخاطبان و منتقدان دریافت کرد. احمدی با این سریال ثابت کرد که فقط در بازیگری، بلکه در عرصه کارگردانی هم توانایی بالایی دارد.

با وجود اینکه مهران احمدی بیشتر به‌عنوان یک بازیگر شناخته می‌شود، در عرصه کارگردانی نیز توانسته نتایج قابل‌قبولی به دست آورد. آثار او نشان‌دهنده پختگی و توانمندی در این زمینه است و به نظر می‌رسد در آینده، بتواند تجربیات بیشتری در دنیای کارگردانی به نمایش بگذارد.

۱۳۹۷/ جشنواره ۳۷

تجربه سال ۱۳۹۶، باعث شد در جشنواره سی‌وهفتم، حضور کارگردانان کار اولی دوباره جان بگیرد. درکنار ۲۲ فیلمی که در جشنواره بودند، ۱۱ کارگردان فیلم اولی حضور پیدا کردند که البته برای برخی از آن‌ها، جشنواره فیلم فجر، اولین بزنگاه حضور آن‌ها نبود. سیدجواد رضویان بیشتر از هر چیز به‌عنوان بازیگر شناخته می‌شود، با حضور در مجموعه‌های کمدی و تلویزیونی که مخاطبان زیادی داشته‌اند. اما او نه‌تنها در این عرصه، بلکه در دنیای کارگردانی هم توانسته جایگاه خوبی پیدا کند. رضویان اولین تجربه کارگردانی سینمایی خود را با فیلم «زهرمار» در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۸ به نمایش گذاشت. این فیلم که در آن رضویان به عنوان کارگردان و نویسنده حضور داشت، داستانی طنز و درعین‌حال اجتماعی را دنبال می‌کرد و توانست نظر مثبت بسیاری از منتقدان را جلب کند. پس از این تجربه موفق در سینما، سیدجواد رضویان به تلویزیون برگشت و کارگردانی سریال «پی‌گناه» را به عهده گرفت. این سریال در تراز درام اجتماعی و با تمرکز بر روابط انسانی و پیچیدگی‌های روانشناختی شخصیت‌ها ساخته شد و در زمان پخش توانست توجه‌های زیادی را جلب کند. با کارگردانی این سریال، رضویان نشان داد درکنار بازیگری، توانایی‌های چشمگیری در عرصه کارگردانی هم دارد و می‌تواند آثار تأثیرگذاری را به تصویر بکشد. در مجموع سیدجواد رضویان در عرصه کارگردانی هنوز در آغاز راه است، اما توانسته با اولین اثر سینمایی خود و تجربه در تلویزیون، خود را به‌عنوان یک کارگردان باهوش و موفق معرفی کند.

۱۳۹۸/ جشنواره ۳۸

در جشنواره سال سی‌وهشتم، ۲۲ فیلم در بخش سودای سیمرغ باهم رقابت می‌کردند. در کنار آن‌ها، ۱۰ فیلمی که کارگردانان آن‌ها برای بار اول وارد جشنواره می‌شدند در بخش نگاه نو باهم رقابت می‌کردند. در آن سال، چهره‌های مختلفی سینما را برای اولین بار تجربه کردند و برخی از آن‌ها قابلیتش گیر کرد و ماندگار شدند.

محمد کارت یکی از چهره‌های سینمایی است که در سال ۱۳۹۸ با «شنای پروانه» شناخته شد. او فعالیت خود را در سینما با ساخت مستندهای اجتماعی آغاز کرد و حمایت منتقدین زیادی را برای خودش همراه کرد. اما شهرت واقعی او به‌دنبال ساخت فیلم بلندش، «شنای پروانه»، به دست آمد. «شنای پروانه» که در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۹ به نمایش درآمد، نقطه عطفی در کارنامه محمد کارت بود. «شنای پروانه» علاوه بر تحسین‌های عمومی، موفق به دریافت چندین جایزه در جشنواره فجر شد و کارت را به عنوان یک کارگردان باستعداد و صاحب‌نظر معرفی کرد. این فیلم که به‌نوعی بازتاب‌دهنده مشکلات اجتماعی و آسیب‌های جامعه بود، نشان داد کارت در انتخاب موضوعات و داستان‌های خود بسیار دقیق و هوشمندانه عمل می‌کند. پس از موفقیت «شنای پروانه»، محمد کارت سراغ ساخت پروژه‌های جدیدتر رفت. کارت همزمان با حضور در سینما، به سراغ شبکه نمایش خانگی هم رفت و سریال «یاغی» را ساخت. وی امسال در جشنواره حقیقت با مستند «تورکی» حاضر شد.

۱۴۰۲/ جشنواره ۴۲

در کنار ۲۲ اثری که در جشنواره ۴۲ام نشان داده شده، ۱۲ اثر هم برای کارگردانان کار اولی در بخش نگاه نو مورد بررسی قرار گرفت. اما نکته مهم جشنواره چهل‌ودوم این بود که فیلم اولی‌ها باعث نجات آن شدند.

یکی از چهره‌های ماندگار سال ۱۴۰۲ در جشنواره فیلم فجر، جواد عزتی با «تصاحب خونی» بود. جواد عزتی یکی از چهره‌های شناخته‌شده و محبوب سینما و تلویزیون ایران است که در طول سال‌ها فعالیت هنری خود توانسته به‌عنوان بازیگر و کارگردان جایگاه ویژه‌ای در دنیای هنر پیدا کند. عزتی که بیشتر به‌عنوان بازیگر در ذهن مخاطبان شناخته می‌شود، پس از سال‌ها هنرنمایی در مقابل دوربین، به پشت دوربین رفت و اولین تجربه کارگردانی خود را با فیلم کمدی «تصاحب خونی» آغاز کرد. این فیلم که با توجه به سبک خاص خود توجه بسیاری را جلب کرد، در جشنواره فیلم فجر توانست جایزه بهترین کارگردانی اول را به خود اختصاص دهد و از همین رو عزتی توانست به‌عنوان یک کارگردان نوظهور نیز در صنعت سینما شناخته شود.

در کنار فعالیت‌های کارگردانی، عزتی همچنان در عرصه بازیگری حضور پررنگی دارد. او در سریال موفق «زخم کاری»، آخرین نقش‌آفرینی خود را به نمایش گذاشت و باز هم توانست توانمندی‌های خود را در این حوزه ثابت کند. با این روند، باید دید که تجربه کارگردانی عزتی می‌تواند به یک مسیر جدید و مستمر در کارنامه هنری او تبدیل شود یا خیر و آیا شاهد آثار بیشتری از او در پشت دوربین خواهیم بود یا همچنان عزتی تمرکز خود را بر بازیگری خواهد گذاشت.

۱۴۰۳/ جشنواره ۴۳

از آخرین باری که در جشنواره فیلم فجر، ۳۳ فیلم به رقابت در بخش اصلی پرداختند، ۱۴ سال می‌گذرد؛ رقابتی که نوبدبخش یک دوره پرهیجان و پویا در سینمای ایران است. یکی از نکات برجسته جشنواره امسال، حذف بخش «نگاه نو» است که معنای آن این است که ۱۳ کارگردان کاراولی مستقیماً باید در بخش اصلی رقابت کنند. این تصمیم جسورانه فرصتی برای کارگردانان جوان ایجاد کرده تا شانه‌به‌شانه بزرگان سینما قرار بگیرند و خود را در بالاترین سطح جشنواره محک بزنند. جشنواره امسال رامی‌توان میدان حضور کارگردانان جوان و تازه‌نفس دانست. بسیاری از این فیلمسازان پیش از این با ساخت فیلم‌های کوتاه یا حضور در برنامه‌های تلویزیونی توانایی‌های خود را به نمایش گذاشته‌اند و حالا با اولین فیلم بلند سینمایی‌شان قدم به عرصه‌ای بزرگ‌تر گذاشته‌اند. اما تا زمانی که آثارشان روی پرده نرود قضاوت نهایی درباره کیفیت و اثرگذاری آن‌ها دشوار خواهد بود. نکته‌ای که نمی‌توان از آن غافل شد تحصیلات آکادمیک این نسل از فیلمسازان است. برخلاف گذشته که مسیر ورود به سینما بیشتر بر پایه تجربه شخصی و آزمون و خطا بود امروزه تحصیلات تخصصی در رشته‌های مرتبط با سینما نقشی پررنگ‌تر ایفا می‌کند. بسیاری از کارگردانان حاضر در جشنواره از دانشگاه‌های معتبر هنری فارغ‌التحصیل شده‌اند و این نشان‌دهنده تغییری مثبت در نگاه نسل جدید به هنر و فیلمسازی است. این تغییر به‌نوعی فاصله گرفتن از توصیه‌های کلیشه‌ای مانند «درست یا نخوان و کنارش هم یا اداعه بده» را نشان می‌دهد؛ نسلی که حالا هنر را نه در کنار زندگی بلکه در مرکز آن قرار داده است.

جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۳ با ترکیبی از استعدادهای تازه‌نفس و نام‌های شناخته‌شده بستر مناسبی برای شکوفایی ایده‌های جدید و رقابت در بالاترین سطح سینمای ایران فراهم کرده است. اگرچه هنوز باید منتظر بمانیم تا آثار روی پرده بروند و منتقدان و مخاطبان در جشنواره نظر بدهند.

۱۳۹۹/ جشنواره ۳۹

با اینکه جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۹ با ۶۲ اثر یکی از شلوغ‌ترین دوره‌های خود را تجربه کرد، کارگردان‌های کار اولی چندان مورد توجه قرار نگرفتند و تنها ۴ اثر از این کارگردان‌ها وارد جشنواره شد. در میان این آثار، حسین دارابی با فیلم «مصلحت» اولین تجربه کارگردانی خود را در جشنواره فیلم فجر ۱۳۹۹ به نمایش گذاشت. این فیلم که نگاه متفاوتی به مسائل اجتماعی داشت، به دارابی یک شروع موفق داده و نشان داد که او در انتخاب موضوعات خاص و جسورانه استعداد زیادی دارد. دارابی که پیش از این تجربه ساخت فیلم‌های کوتاه داشت، با «مصلحت» توانست پا به عرصه سینمای بلند بگذارد و خودش را آماده کند برای گام‌های بزرگ‌تر. پس از این موفقیت، او در جشنواره فجر ۱۴۰۰ با فیلم «هناس» به سراغ موضوع جدیدی رفت و این بار به سراغ شهدای هسته‌ای رفت که پیش‌تر کمتر در سینما به آن پرداخته شده بود. «هناس» موضوعی حساس و چالش‌برانگیز را مطرح کرد و باعث شد دارابی دوباره توجه‌ها را به خود جلب کند. حالا حسین دارابی برای جشنواره ۱۴۰۳ با فیلم «خدای جنگ» آمده است. باید دید کارگردانی که روزگاری به‌عنوان یک کارگردان کار اولی شناخته می‌شد، اکنون در مسیر رشد و موفقیت‌های بیشتر قرار گرفته است یا خیر. با این وجود، به نظر می‌رسد دارابی همچنان در حال شکل دادن به سبک و مسیر خود در سینماست.

۱۴۰۰/ جشنواره ۴۰

در میان ۲۲ اثر، ۷ اثر برای کارگردانان کار اولی است. در میان اسامی که دیده می‌شود، برخی از نام‌ها توانستند به جاهای بسیار خوبی برسند. البته در این میان، برخی از افراد بودند که فیلم اول از کارگردانی، در دنیای بازیگری به درجاتی از شناخته شدن رسیده بودند.

هادی حجازی‌فر یکی از چهره‌های شناخته‌شده و پرطرفدار سینما و تلویزیون است که هم در عرصه بازیگری و هم در عرصه کارگردانی توانسته جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. او ابتدا به‌عنوان بازیگر وارد دنیای هنر شد و با نقش‌آفرینی در آثار مختلف سینما و تلویزیون به محبوبیت رسید. حجازی‌فر با بازی در فیلم‌هایی مانند «ماجرای نیمروز» و «موقعیت مهدی» توانست استعداد خود را در نقش‌های پیچیده و تأثیرگذار به خوبی به نمایش بگذارد و به یکی از بازیگران برجسته نسل خود تبدیل شود.

اما هادی حجازی‌فر تنها به بازیگری بسنده نکرد. در سال ۱۴۰۰، او با نویسندگی و کارگردانی فیلم «موقعیت مهدی» اولین تجربه کارگردانی خود را به نمایش گذاشت. این فیلم با داستانی پر محتوا و تأثیرگذار نشان داد که حجازی‌فر نه‌تنها در بازیگری، بلکه در عرصه کارگردانی هم توانایی‌های زیادی دارد و می‌تواند فیلمی متفاوت و ارزشمند بسازد.

پس از این موفقیت، حجازی‌فر به سراغ کارگردانی سریال‌های شبکه نمایش خانگی رفت. سریال «پوست شیر»، یکی از پربازدیدترین و پرمخاطب‌ترین سریال‌های پلتفرم‌ها، حاصل کار او بود و موفقیت‌های زیادی را به دست آورد. علاوه بر این، حجازی‌فر با سریال‌های «داریوش»، «سرکجیه»، «زیرخاکی» و «عاشورا» هم در عرصه تلویزیون و هم در عرصه شبکه نمایش خانگی آثار ماندگاری خلق کرد و توانست توجه بسیاری از مخاطبان را جلب کند. هادی حجازی‌فر با ترکیب استعداد و تجربه در دو حوزه بازیگری و کارگردانی، ثابت کرده که هنرمندی چندوجهی است و در هر دو زمینه می‌تواند آثار تأثیرگذاری ارائه دهد.

۱۴۰۱/ جشنواره ۴۱

در کنار ۲۴ اثری که در جشنواره چهل‌ویکم به نمایش درآمد، ۱۰ اثر برای کارگردانان کار اولی بودند. بابک خواجه‌پاشا، یکی از کارگردانان جوان و پرانرژی سینمای ایران است که در سال‌های اخیر توانسته حضور قابل توجهی در جشنواره‌ها و بین علاقه‌مندان سینما داشته باشد. او کارگردانی را با ساخت فیلم‌های کوتاه آغاز کرد و سپس به دنیای سینمای بلند قدم گذاشت. نخستین تجربه سینمایی او در جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۱ با فیلم «در آغوش درخت» به نمایش درآمد. این فیلم با پرداختن انسانی و عاطفی، شروعی موفق برای خواجه‌پاشا بود. داستان فیلم در کنار ساختار هنری و کارگردانی متفکرانه آن، نگاه‌ها را به کارگردان جوان جلب کرد.

موفقیت خواجه‌پاشا در جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۱ تنها به نمایش این فیلم محدود نماند، بلکه «در آغوش درخت» به‌عنوان نماینده سینمای ایران برای رقابت در بخش آثار بین‌المللی اسکار ۲۰۲۳ (بخش آثار غیرانگلیسی‌زبان) انتخاب شد. این اتفاق، جایگاه او را به‌عنوان کارگردانی تاثرگذار اما با استعداد و آینده‌دار تثبیت کرد و حضور او را در سطح جهانی برجسته ساخت.

در سال ۱۴۰۲، بابک خواجه‌پاشا با فیلم «آبی روشن» در جشنواره فیلم فجر شرکت کرد. این فیلم توانست نامزدی در هفت بخش مختلف از جمله بهترین کارگردانی را کسب کند که نشان‌دهنده رشد و توانایی‌های بیشتر او در عرصه سینما بود. فیلم «آبی روشن» که با نگاه متفاوت و دقیق به مسائل اجتماعی و انسانی پرداخته بود، باز هم تأثیر خود را بر مخاطبان و منتقدان گذاشت. علاوه بر فعالیت‌های سینمایی، خواجه‌پاشا در عرصه تلویزیون نیز حضور فعال و موفقی داشته است. این فعالیت‌ها، اعم از کارگردانی در پروژه‌های مختلف، به تثبیت جایگاه او در دنیای هنر کمک کرده است. درمجموع بابک خواجه‌پاشا کارگردانی جوان و پرانرژی نشان داده است که مسیر درخشانی در پیش دارد و باید منتظر فیلم‌های جدید و آثار آینده‌اش باشیم که می‌تواند سینمای ایران را در سطح بین‌المللی معرفی کند.

۱۲ کارگردان فیلم اولی جشنواره چهل‌وسوم

نام و نام خانوادگی کارگردان	نام فیلم	دانشگاه / تحصیلات
امیر پوروزیری	۱۹۸۶	دانشکده خبر اردبیل / فارغ‌التحصیل انجمن سینمای جوانان ایران در رشته فیلمسازی
مصطفی تنابنده	آبسن	–
محمدابراهیم عزیزی	بازی را بکش	دانشکده هنرهای زیبا/ کارشناسی ارشد کارگردانی و کارشناسی طراحی صحنه
محمود کریمی	بچه مردم	–
محمد پایدار	تاکسیدرمی	دانشگاه هنر تهران/ کارشناسی ارشد سینما
آرمان زرین‌کوب	ترک عمیق	–
ابراهیم امینی	چشم بادومی	دانشگاه تربیت مدرس/ کارشناسی ارشد کارگردانی
حسام فرهمند	رها	–
مهدی نوروزیان	زمانی در ابدیت	کالج سلطنتی هنر لندن/ فیلم و سینما
رضا جمالی	سونسوز	دانشکده خبر اردبیل/ رشته فیلمسازی فارغ‌التحصیل انجمن سینمای جوانان ایران
محمدرضا اردلان	فریاد	–
رضا فرهمند	لولی	دانشگاه فردوسی مشهد/ مهندسی کشاورزی
مهدی اصغری‌ازغدی	ماریا	دانشگاه هنر تهران/ کارگردانی سینما در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد سینما

تعداد کارگردان‌های فیلم‌اولی در ۱۰ سال اخیر

سال	جشنواره	تعداد کارگردانان کار اولی
۱۳۹۳	۳۳	۱۳
۱۳۹۴	۳۴	۱۱
۱۳۹۵	۳۵	۱۵
۱۳۹۶	۳۶	۳
۱۳۹۷	۳۷	۱۱
۱۳۹۸	۳۸	۱۰
۱۳۹۹	۳۹	۶
۱۴۰۰	۴۰	۷
۱۴۰۱	۴۱	۱۰
۱۴۰۲	۴۲	۱۲
۱۴۰۳	۴۳	۱۳

فریدون شهبازیان
نقش ویژه‌ای در زنده کردن دوباره جریان موسیقی پاپ در میانه دهه ۷۰ داشت

کاشف فروتن صداهای تازه

ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگی

فریدون شهبازیان هم درگذشت. او به هنگام عروجش به عالم بالا ۸۲ سال داشت. اینطور تصور می‌شود که او در سال‌های آخر عمرش، همچون بسیاری از هم‌نسلانش، از روزهای اوج خود در هنر فاصله گرفته بود، ولی این تلقی درستی نیست. روانشاد شهبازیان تا همین اواخر دست از خلق تصنیف‌ها و ترانه‌های مختلف نکشید و در صحنه حاضر بود. او فقط یک آهنگ‌ساز برجسته و رهبر ارکستری چیره‌دست و به‌اصطلاح «ایکاره» نبود، بلکه توان عجیبی در ساختن بنای موسیقی مردم‌پسند در لایه‌ی پس از انقلاب داشت و چراغ این هنر را با حضور نسل جدیدی از خوانندگان روشن نگه‌داشت. دامنه فعالیت او از دهه ۴۰ شمسی تاکنون آنقدر وسیع است که نمی‌توان یک دوره خاص را به‌عنوان روزگار طلایی شهبازیان در نظر گرفت و برجسته کرد، ولی با این حال ما در گزارش پیش رو به نقاط عطف کارنامه سرآمد درخشان این هنرمند بی‌تکرار خواهیم پرداخت.

از گل‌های رادیو تا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

شهبازیان وقتی خیلی جوان و جویای نام بود، پا به عرصه موسیقی دستگاهی و کلاسیک گذاشت. پدرش در کلاس‌های استاد ابوالحسن صبا به آموختن ویولن مشغول بود و در همان سال‌هایی که فرزندش به دنیا آمد، یک گروه موسیقی به راه انداخت و او را با خود به تئاترهای لاله‌زار می‌برد. فریدون شهبازیان از ۱۲ سالگی در همان تئاترهای لاله‌زار کی که در بهترین حالت ممکن محل اجرای موسیقی ملی ایرانی بود، به نواختن و اجرای آثار کلاسیک غربی مشغول شد و شانسش را برای حضور در بین بزرگان موسیقی کشور امتحان کرد. سازتخصصی شهبازیان، ماند پدرش، در ابتدا ویولن بود و استعداد بی‌نظیری در زمینه نواختن این ساز داشت. هنرستان عالی موسیقی تمام وقت فریدون کوچک را به خود مشغول کرده بود و او که دوست داشت ماننده بچه‌های کوچه و خیابان بازی کند و آتش بسوزاند، سخت از این شرایط عاصی بود، ولی عاقبت طوری به موسیقی و نوای ساز عادت کرد که از صدای سازش بچه‌های محل به وجد آمدند و در زمان تمرین پای پنجره‌اتاق فریدون -که رو به خیابان باز می‌شد- شیفته شنیدن صدای ویولن می‌شدند و هوش از سرشان می‌رفت. ۱۹ ساله بود که در ارکستر «گل‌ها» به رهبری استاد روح‌الله خالقی پذیرفته شد و سلام‌علاله راه و رسم پیشرفت در جریان اصلی و معتبر موسیقی مجلسی و ملی ایران را فرا گرفت. شهبازیان نه‌تنها نوازنده ویولن ارکستر گل‌ها بود، بلکه در «ارکستر سمفونیک تهران»، «ارکستر صبا» و «ارکستر مجلسی رادیو تلویزیون ملی ایران» هم این کار را انجام می‌داد و اعتبار خوبی برای خود فراهم ده‌بود. پیشرفت فریدون شهبازیان بسیار در مقایسه با هم‌کلاسی‌هایش در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران محسوس بود، چون او برخلاف دیگر دانش‌آموختگان این دانشکده سابقه فعالیت در هنرستان عالی موسیقی را داشت و حضور در سر کلاس موزیسین‌های مطرحی همچون عطاءالله خادم‌میثاق و سرژ حتوسیف را با تحمل سختی‌هایش تجربه کرده بود. این شکل از تجربه‌وری باعث شد فریدون شهبازیان خیلی زودتر از آنچه تصورش در ذهن می‌رفت، قله‌های موسیقی ایران را فتح کند و آثار موسیقایی برجسته زیادی را ساخته و به دست اهلش بسپرد. اگر هنرجویان موسیقی در دانشگاه هنرهای زیبا کلاس‌های ویلن بودند، شهبازیان و هنرش در جایگاه استادی برای این جماعت قرار داشت. به‌هرحال او راهش را پیدا کرده بود و تنها کسی بعد از گذشت نیمه دوم دهه سوم زندگی‌اش جایگاه خود را به دست آورده بود؛ جایگاهی که می‌رفت تا او را بدل به یک برند معتبر و نامبردار در آسمان هنر ایران کند. با اوج‌گیری «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» در دهه ۵۰ شمسی و ورود موسیقی به عرصه فعالیت‌های آن، فریدون شهبازیان هم ساز خود را کوک کرد و با ساختن ملودی براساس استفاده از صدای کسانی همچون «مهدی اخوان ثالث»، «احمد شاملو»، «هوشنگ ابتهاج»، «منوچهر آتشی» و... مجموعه «صدای شاعر» را در بازار متکثر و پُرشنونده موسیقی به مخاطبان و شنوندگان ارائه داد. پایه اکثر ملودی‌هایی که شهبازیان در آن ایام خلق می‌کرد، براساس آوازهای محلی و نواهای فولکلوریک ایرانی بود و اشراف وی بر تمام گوشه‌ها، موسیقی ردیفی و دستگاهی و همچنین ساز و آوازهای عامه‌پسند مردم کوی و برزن را نشان می‌داد. به عبارت دیگر، کانون پرورش فکری محل بسیار مناسبی برای جمع شدن استعدادها و تربیت نسلی خوش‌ذوق در وادی هنر به حساب می‌آمد که با تکیه بر فرهنگ بومی ایران، وظیفه تولید آثار هنری در رده سنی کودک و نوجوان را برعهده گرفته بود و فریدون شهبازیان نقطه کانونی بسیاری از اتفاقات خوشایند کانون در آن روزگار به حساب می‌آمد. این حجم از فعالیت‌های درخشان در حالی رقم می‌خورد که شهبازیان هنوز موسیقیدان نکرده بود و راه نرفته زیادی پیش روی خود در عرصه موسیقی می‌دید.

اسفندیار منفردزاده و مرتضی حنانه رقیب می‌طلبند

وضعیت موسیقی فیلم با ورود دوربین فیلمبرداری در ایران و حرفه‌زدن نخستین فعالیت‌های فیلمسازی در ک